

Trade System and Industrial Modernity in Tabriz During Qajar era

Paria Violette Shakiba^{*}, Manouchehr Tabibian^{}**

Abbas Ghadimi Gheidari^{*}**

Abstract

After Industrial Revolution and the formation of modern trade system, underdeveloped Iran from the 19th century took attention of colonial powers due to its strategic position and economic goals. The defeat of the Iranians from Russia had formed first lights of thought on the causes of Iran's underdevelopment and the progress of the West in the mind of Abbas Mirza. Being in priority of benefiting from industrial innovations and investment of foreign companies for Tabriz was depended on its privileged geographical location, being the city of crown prince and investment of the city's merchants. The main question of the research is what changes and under the influence of what factors occurred in the commercial system and industry of Tabriz during the Qajar era? The most important achievement of the research is based on the creation of new industries and trade system in Tabriz. In this regard, new manifestations of modernity such as exchange offices, banks, spinning and carpet weaving industries, printing houses, electricity, etc. were established in Tabriz. Also, merchants of Tabriz played a major role in establishing Tabriz commercial and industrial centers. The continuous growth of trade in the early 14th

* PhD Student, department of Urban Planning, Islamic Azad University, Qazvin Branch, Qazvin, Iran, Shakiba_pv@yahoo.com

** Professor of Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding Author) Groupfourgeo@gmail.com

*** Associate Professor of History, University of Tabriz, Tabriz, Iran, ghadimi@tabrizu.ac.ir

Date received: 04/10/2021, Date of acceptance: 16/01/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

century AH encouraged foreign investors to expand their economic and productive activities in Tabriz. But, the influx of foreign goods did great damage to domestic handicrafts and factories. Based on historical references, publications, and documents, this article has studied the economic and industrial developments of Tabriz by descriptive-explanatory method.

Keywords: Tabriz, Qajar, Industrial Modernity, Trade, Businessmen.

نظام تجاری و نوگرایی صنعتی در تبریز عصر قاجار

پریا ویولت شکبیا*

منوچهر طیبیان**، عباس قدیمی قیداری***

چکیده

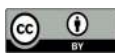
به دنبال انقلاب صنعتی و شکل‌گیری نظام نوین تجاری، از قرن ۱۹م ایران توسعه نیافته به دلیل موقعیت استراتژیک و اهداف اقتصادی مورد توجه قدرت‌های استعماری قرار گرفت. نخستین جرعه‌های تفکر در علل ترقی غرب و نیز توسعه نیافتگی ایران با شکست ایرانیان از روسیه در ذهن عباس میرزا رقم خورد. تقدم تبریز بر بهره‌مندی از نوآوری‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی به عواملی چون موقعیت مناسب جغرافیایی، ولیعهدنشین بودن و سرمایه‌گذاری بازرگانان شهر بستگی داشت. پرسش اصلی مطرح پژوهش این است که چه تغییر و تحولی و تحت تأثیر چه عواملی در نظام تجاری و صنعت تبریز عصر قاجار رخ داد؟ مهمترین دستاورد پژوهش بر ایجاد صنایع نوین و نظام جدید تجاری تبریز استوار است که در این راستا مظاهر مدرنیته از قبیل مراکز صرافی، بانک، صنایع ریسندگی و قالی‌بافی، چاپخانه، برق، و تلفن ایجاد گردیدند. تجار آذربایجانی نیز در تأسیس مراکز تجاری و صنعتی نقش فعالی ایفا نمودند. رشد مداوم بازرگانی در اوایل قرن ۱۴ق. موجب ترغیب سرمایه‌گذاران خارجی به گسترش فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی خود در تبریز شد. اما واردات کالاهای فرنگی به صنایع دستی و کارگاه‌های تولیدی

* دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران،
Shakiba_pv@yahoo.com

** استاد گروه شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Groupfourgeo@gmail.com

*** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، ghadimi@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

بومی آسیب فراوانی زد. این مقاله با تکیه بر منابع، نشریات و اسناد تاریخی، به روش توصیفی-تبیینی، تحولات اقتصادی و صنعتی شهر تبریز را بررسی نموده است.

کلیدواژه‌ها: تبریز، قاجار، نوگرایی صنعتی، بازرگانی، تجار.

۱. مقدمه

دوره قاجاریه (۱۲۰۹-۱۳۴۴ق/ ۱۷۹۵-۱۹۲۵م) مقارن با تحولات شگرف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دنیا بود. در شرایطی که مناسبات سرمایه‌داری در غرب راه ورود صنعت نوین را هموار می‌ساخت، اقتصاد و تجارت در ایران به شکل سنتی جریان داشت. به‌دنبال جنگ‌های ایران و روس و ورود ناخواسته ایران به میدان مناسبات سیاسی و اقتصادی، جامعه عصر قاجار به تدریج از این تحولات تأثیر پذیرفت. با آغاز ارتباطات تجاری ایران با جهان جدید و نیز ورود تکنولوژی و کالاهای خارجی به‌نظر می‌رسد تحولات اقتصادی تدریجی ایران، در پیوند با عوامل اقتصادی و سیاسی خارجی رقم خورده باشد. در روند این تجربه، با این‌که دولت قاجار در جهت سرمایه‌گذاری و تأسیس کارخانه‌های جدید توفیق چندانی به‌دست نیاورد، اما تجار و بازرگانان به‌عنوان بخش خصوصی توانستند در نظام تجاری جدید و نیز تأسیس مراکز تجاری و کارگاه‌های صنعتی گام‌های مؤثری بردارند. موضوع این مقاله نظام تجاری و نوگرایی صنعتی در تبریز عصر قاجار است که در واقع ذیل تاریخ اقتصادی ایران قرار می‌گیرد و تاکنون به‌طور مستقل موضوع هیچ پژوهشی قرار نگرفته است. با این حال اگر بخواهیم پیشینه تحقیقی برای این موضوع در نظر آوریم باید به کتب پژوهشی مانند گنج‌شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران محمدعلی جمال‌زاده، تاریخ اقتصادی ایران چارلز عیسوی، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه احمد اشرف، صنعتی شدن ایران ویلم فلور اشاره نمود که به شکل کلی تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، کیفیت و چگونگی تغییر و تحول اقتصادی با تأکید بر نظام تجاری و صنایع نوین عصر قاجار است. به تبع مسئله پژوهش، سئوالات تحقیق عبارت است از این‌که چه تغییر و تحولی و تحت تأثیر چه عواملی در نظام تجاری و صنعت تبریز عصر قاجار رخ داد؟ همین‌طور نقش بازرگانان آذربایجان و شرکت‌های خارجی در این روند چه بود؟ این پژوهش با روش توصیفی-تبیینی و با استفاده از منابع

کتابخانه‌ای، نشریات و همچنین اسناد موجود، موضوع مذکور را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

۲. نگاهی به وضعیت اقتصادی و اجتماعی تبریز پیش از عصر قاجار

تبریز در دوره صفویه با رشد سریع در بازرگانی به یکی از مراکز اصلی صادرات کالا تبدیل شد. نزدیکی این شهر به روسیه و عثمانی و نیز شهرهایی چون تفلیس، طرابوزان و استانبول یکی از عوامل موثر این موضوع به‌شمار می‌آمد. جهت آگاهی از وضعیت اقتصادی تبریز در دوران صفوی می‌توان گزارش‌های سیاحان خارجی را مورد بررسی قرار داد.^۱ شاردن در قرن ۱۱/ق ۱۷م تبریز را از نظر وسعت، جایگاه، ثروت، تجارت و جمعیت دومین شهر ایران در دوره صفوی معرفی نمود (شاردن ۱۳۳۵: ج ۲، ۴۰۲). تبریز در نیمه اول سده ۱۶م یکی از مهم‌ترین شهرها در صنعت قالی‌بافی به‌شمار می‌آمد. شاردن هم‌چنین در ۱۶۷۳م از تولید پارچه‌های پنبه‌ای، ابریشمی و زربفت در کارگاه‌های تبریز گزارش داده است (همان، ۴۰۹). سلاطین صفوی به تولید بعضی ضروریات و اشیاء تجملی در کارگاه‌ها یا بیوتات سلطنتی دستور داده بودند. در کتاب تذکره‌الملوک از وجود کارخانه بافندگی (شعربافخانه) و دو شعبه از خیاطخانه و قورخانه و نیز دستگاه‌های مختلف ضرب سکه طلا و نقره در ضرابخانه (با هفت شعبه) نام برده شده است (میرزاسمیعا ۱۳۷۸: ۶۶، ۶۳، ۳۳، ۲۱؛ مینورسکی ۱۳۶۵: ۴۸) یکی از مراکز مالی-اداری در شمال غرب ایران عصر صفوی، ضرابخانه تبریز بود که به ضرب سکه مشغول بود (متی ۱۳۸۷: ۵۱؛ کارری ۱۳۸۳: ۴۸؛ کمپفر ۱۳۶۲: ۲۴). بازار سرپوشیده تبریز مهم‌ترین کانون تجارت و از نظر شاردن عالی‌ترین بازار بود. وجود ۳۰۰ کاروانسرا، کثرت کالاها و انبوه بازاریان و مشتریان به شکوه و رونق آن می‌افزود (شاردن ۱۳۳۵: ج ۲، ۴۰۴). کارری در زمان شاه سلیمان از اقامت و فعالیت گروه کثیری از بازرگانان ملل مختلف در تبریز به‌عنوان مرکز بزرگ دادوستد خبر داده است (کارری ۱۳۸۳: ۴۶، ۳۱). با سقوط صفویان، ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی از بین رفت. نیمه دوم قرن ۱۲ق به‌جز دوره حکومت کریم‌خان زند با گسترش منازعات کسب قدرت، به کاهش بازرگانی، تعطیلی مراکز تولیدی و مهاجرت مردم تبریز منجر شد.

۳. بازرگانی در تبریز و مناسبات بازرگانان آن با تجار خارجی

واضح است که اقتصاد ایران پیش از دوره قاجار بر بنیان زمینداری، دامداری، تولید صنایع دستی، بازرگانی خارجی و اخذ مالیات گوناگون استوار بود. اگرچه این فعالیت‌های اقتصاد سنتی تا حدودی می‌توانست منابع مالی حکومت را تأمین نماید اما در شرایط نوین جهانی و ضرورت‌های حاکم بر مناسبات بین‌الملل کارایی لازم را نداشت. با تشریح کلیاتی از ورود بازرگانان خارجی به بازار ایران به نقش تجار آذربایجانی در چگونگی افزایش معاملات، صادرات و واردات کالا خواهیم پرداخت.

در ایران دوره قاجار تجار بزرگ دارای جایگاه و موقعیت ویژه‌ای بودند. قدرت اقتصادی تجار در نظارت آنان بر بازارهای محلی و فعالیت در صادرات مواد خام ریشه داشت. آنان در کار واردات و صادرات تولیدات داخلی و خارجی بودند. تجار بزرگ‌ترین منابع تراکم نقدینگی بودند و در مواقع ضروری به شاه، حکام ایالتی و کارگزاران دیوان اعلیٰ قرض می‌دادند (افشار ۱۳۸۷: ۲۷-۱۴۹-۲۵۶). به‌عنوان نمونه عباس میرزا پس از شکست از روس‌ها، و نیز درباریان به‌نگام حرکت ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه به تهران جهت احراز مقام سلطنت، به تجار مراغه و تبریز متوسل شدند (اعتمادالسلطنه ۱۳۵۷: ۷۹؛ آدمیت ۱۳۹۷: ۱۹۲؛ اشرف ۱۳۵۹: ۲۷) و یا امین‌السلطان برای پرداخت حقوق نظام، دو کرور از امین‌الضرب معتبرترین تاجر ایران و تومانیانس تاجر ارمنی قرض گرفت (ترابی‌فارسانی ۱۳۸۴: ۷۳). علاوه بر این مشارکت بازرگانان در تأسیس نهادهای عام‌المنفعه از اقدامات مفیدشان بود. دارالعجزه یکی از قدیمی‌ترین نهادهای غیردولتی تبریز بود که توسط تجار خیر در سال ۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م در جهت کمک به ایتام، فقرا و گدایان بوجود آمد. به‌نوشته مخبرالسلطنه والی آذربایجان، تجار تبریزی برای تقویت بنیه مالی دارالعجزه، تقاضا نمودند که بر روی هر عدل کالای صادراتی در گمرک مبالغی به نفع مؤسسه گرفته شود (هدایت ۱۳۸۵: ۲۰۲). تجار خیری چون ناظم‌التجار، صالح تاجر و سیدحسین بازرگان نامدار تبریزی هرکدام قنات جداگانه‌ای در نقاط مختلف شهر برای استفاده اهالی به‌وجود آوردند (نادر میرزا ۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۳۰).

در اواخر قرن ۱۳ق و اوایل قرن ۱۴ق تجار خارجی بیش از پیش به‌دنبال دادوستد در بازار ایران شدند. ازین زمان تجار ایرانی نیز که بیشتر در بازارهای داخلی فعالیت داشتند به صادرات و واردات کالا مشغول شدند. تریاک، قالی، پنبه، برنج، پوست، توتون و تنباکو و

ابریشم جزو کالاهای صادراتی؛ و مصنوعات غربی، قندوچای، مسکوکات طلا و نقره، اسباب‌آلات آهنی، قماش و منسوجات نخی جزو کالاهای وارداتی به‌شمار می‌آمدند (جمالزاده ۱۳۳۵: ۳۷-۱۲). با گسترش فعالیت‌های تجاری بازرگانان ایرانی از جمله امین‌الضرب و برادران تومانیانس جزو ثروتمندترین تجار شدند و بعد از ایشان برادران آرزومانیان، کمپانی، آرامیان، برادران کوزه‌کنانی و مهدی تاجر تبریزی جزو تجار معتبر به‌شمار آمدند (اشرف ۱۳۵۹: ۷۳-۷۴). یا طایفه شالچی‌های تبریز و بزرگ‌خاندان ایشان به‌نام محمدقاسم تاجر تبریزی از تجار معتبر شهر، مورد احترام دولت بود (وقایع اتفاقیه، ش ۲۲۱، ۹/شعبان/۱۲۷۱، ص ۱۳۹۴). تاجر مشهور امین‌الضرب در همه شهرهای ایران نماینده تجاری داشت و محمدرحیم اصفهانی ملقب به وثوق‌التجار نماینده وی در تبریز بود (افشار ۱۳۸۷: ۹-۱۹)^۲. در تبریز عصر مشروطه میرزامهدی کوزه‌کنانی «ابوالمله» بر بازرگانان شهر نفوذ داشت. درباره وی گفته شده که کافی بود مهدی کلاهش را به زمین بزند تا بازاریان کل بازار را ببندند (هدایت ۱۳۸۵: ۲۱۳).

همزمان با گسترش بازرگانی و افزایش درآمد تجار، برخی از آنان اقدام به سرمایه‌گذاری در صنایع نوین، معادن، کشتی‌رانی، راه، راه‌آهن و تلفن نمودند. مثلاً تجارتخانه تومانیانس در اوایل قرن ۱۴ق به استخراج چند معدن از جمله مس و زغال سنگ و گوگرد اقدام نمود (تاریخچه... ۱۳۳۷: ۴۹؛ اشرف ۱۳۵۹: ۷۹). همچنین این تجارتخانه دو کشتی تجاری در دریای خزر برای حمل کالا میان بندر ایران و روسیه به‌کار انداخت (اشرف ۱۳۵۹: ۸۰).

به تدریج ارتباطات بازرگانان ایرانی با خارج گسترش یافت. از دهه‌های ابتدایی قرن ۱۹م سه عامل مهم در توسعه تجارت ایران و به‌ویژه تبریز با سایر کشورها مؤثر بود: ۱- افزایش تولید ابریشم در ایالات شمالی ایران و صادرات آن از طریق تبریز از سال ۱۲۲۷ق/۱۸۱۲م (عیسوی ۱۳۶۲: ۳۵۶). ۲- انتقال تجارت شمال ایران از قسطنطنیه و اسمیرنه به طرابوزان در سال ۱۲۴۶ق/۱۸۳۰م که موجب شد تجار ایران با خرید امتعه در طرابوزان نرخ کرایه پابینی پرداخت نمایند (همان، ۱۴۰-۱۳۹). ۳- ورود تجار یونانی در جهت تجارت ابریشم تحت حمایت روسیه و تشکیل شرکت‌های خارجی در تبریز از سال ۱۲۴۶ق/۱۸۳۰م (همان، ۱۷۱-۱۵۸). درباب اهمیت تجاری تبریز در دوره قاجار گزارش‌های متعددی بیان شده است. دوسرسی در زمان محمدرشاه، تبریز را مهم‌ترین شهر اقتصادی ایران و آنرا انبار بازرگانی و پیونددهنده اقتصاد آسیا و اروپا می‌دانست (دوسرسی ۱۳۹۰: ۱۰۱-۱۰۵).

اعتمادالسلطنه نیز در مرآت‌البلدان به حجم بالای واردات و صادرات کالا، به وجود تجارت‌خانه‌های خارجیان در تبریز اشاره دارد (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۶: ۵۶۱-۵۶۲-۶۱۰). واتسن، آذربایجان را مهم‌ترین و غنی‌ترین ایالت ایران و شهر تبریز را نمایشگاه عمده تجارتی ایران عنوان کرده بود (واتسن ۱۳۵۴: ۱۶۷). از سال ۱۲۴۶ق/۱۸۳۰م و با شروع ارتباطات اقتصادی با غرب این شهر نقش عمده‌ای در واردات و صادرات ایران ایفاء نمود. کنسول ابوت در گزارش‌هایش در نیمه قرن ۱۹م از تبریز به‌عنوان انبار ذخیره بزرگ کالا و مقر اصلی تجارت نام برده و نوشته که کالاها و پارچه‌های اروپایی که از طریق حمل‌ونقل زمینی و یا دریای سیاه به تبریز می‌رسید تقریباً نیاز مناطق مختلف ایران و کشورهای همسایه را تأمین می‌کرد. به‌نظر ابوت حجم ورود و خروج کالا در سال ۱۲۷۶ق/۱۸۶۰م به هشت برابر سی سال قبل رسیده بود (ابوت ۱۳۹۶: ۲۸۰).

۴. آسیب‌شناسی واردات بی‌رویه کالاهای خارجی

تا پیش از ورود کالاها و مصنوعات خارجی، بازرگانان ایرانی به‌طور عمده به مبادله کالاهای تولیدی داخلی می‌پرداختند. به‌تدریج و با گسترش ارتباطات بین‌المللی محدوده عمل تجار فراتر از ایران رفت و با تجار خارجی به معامله پرداختند. از سال ۱۸۶۱م کاهش قابل‌توجهی در واردات پارچه‌های پنبه‌ای رخ داد. وقوع جنگ‌های داخلی آمریکا باعث شد پارچه‌های پنبه‌ای انگلستان کمیاب شده و نیز بسیار گران‌تر از قبل شوند (ابوت ۱۳۹۶، ۳۰۱؛ عیسوی ۱۳۶۲: ۱۶۶). طبق آمار، از سال ۱۲۹۷ق/۱۸۸۰م حجم و ارزش کل معاملات گمرکات تبریز کاهش یافت. به گونه‌ای که سال ۱۲۸۵ق/۱۸۶۸م، ۴۴ درصد از کل مقاطعه گمرکات ایران را گمرکات تبریز دربرمی‌گرفت اما این رقم در سال ۱۸۸۰م به ۳۸ درصد و در سال‌های بعد کمتر نیز شد. علت افت حجم تجارت در تبریز به گشایش کانال سوئز و توقف حمل‌ونقل از طریق روسیه ارتباط داشت. در این زمان اجناس از طریق بوشهر و بغداد به ایران می‌رسید و دو شهر اصفهان و شیراز به مرکز تجارت تبدیل شده بودند. تبریز پس از جنگ جهانی اول هرچه بیشتر از کاهش تجارت با شوروی و نیز انتقال مسیر تجارت به خلیج فارس لطمه خورد (عیسوی ۱۳۶۲: ۱۶۸-۱۶۷).

تجارت خارجی با واردات مصنوعات خارجی و صادرات مواد خام رونق گرفت. این عوامل موجب شد که تجار به واردات و مردم نیز به خرید کالاهای جدید و ارزان غربی

اشتیاق نشان دهند. به نوشته حاج‌سیاح، فعالان عرصه صنعت از تولید کالا دست کشیده و به دلالت بازرگانان خارجی تبدیل شدند: «اهل ایران رو کردند به خرید متاع خارجه و به تدریج هر صنعت که در خود ایران بود برافتاد. تجارت هم شد دلالی خارجه نه ترویج متاع وطن» (حاج‌سیاح ۲۵۳۶: ۴۷۲). حتی ابراهیم‌بیگ، قدم فراتر نهاد و تاجران را مزدوران فرنگیان و دشمنان وطن معرفی نمود (مراغه‌ای ۱۳۴۴: ۱۶۴). درضمن اگر تاجری هم به فکر ایجاد کارخانه یا ساختن راه بود؛ سیاست شمال و جنوب به‌دست دولت ایران مانع آن می‌شد (حاج‌سیاح ۲۵۳۶: ۴۷۲). منظور از شمال و جنوب سیاست‌های استعماری روسیه و بریتانیا بود که در کسب امتیاز و ممانعت از استقلال اقتصادی ایران با هم‌دیگر رقابت می‌کردند.

در برخی رساله‌های انتقادی عصر قاجار راهکارهایی برای رفع دشواری‌های اقتصادی ارائه شده بود از جمله: واردات پارچه و منسوجات فرنگی ممنوع شده و البسه شاه و درباریان، از پارچه‌های داخلی تهیه گردد تا مردم نیز به پیروی از ایشان عمل کنند. نویسنده دیگری درد بزرگ جامعه ایران را فقر عمومی و بیکاری مردم دانسته و بر اصلاح امور و رفع مشکلات توسط حکومت تأکید نموده بود (آدمیت ۱۳۵۶: ۲۷۰-۱۷۳). این گزارش‌ها از ورشکست شدن تجار، فقدان سرمایه و تکنولوژی و درنهایت فقر مردم ایران حکایت داشت. نویسنده رساله خان‌خانان از رجال و نویسندگان دوره ناصری و مظفری، ترویج صنعت و ایجاد کارخانجات را از اسباب ترقی ایران می‌دانست (خان‌خانان ۱۳۸۰: ۵۷۰-۵۸۴). سیاست‌های استعماری و اقتصاد رقابتی دولتهای غربی نیز مانع خودکفایی و رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌نیافته می‌شد. جمالزاده از نقش روس و انگلیس در ورشکستگی صنایع ماشینی یاد می‌کند که کارخانه‌های متنوعی توسط ایرانیان و یا خارجیان ایجاد گردید ولی اغلب بدلیل بی‌تجربگی و بی‌ثباتی و مخصوصاً رقابت و اشکال تراشی روس و انگلیس به نتیجه مطلوبی منجر نگردید (جمالزاده ۱۳۳۵: ۹۳) مضاف‌براین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با مشکلاتی مثل نبود شبکه مناسب حمل‌ونقل، کمبود مواد سوختی، سود ناکافی و عدم وجود نیروی متخصص در ایران مواجه بودند (شجاعی دیوکلائی ۱۳۹۸: ۱۲۰).

یکی از آسیب‌های نفوذ قدرتهای اقتصادی دنیا بر ساختار معیوب اقتصاد و تجارت ایران پس از عهدنامه ترکمانچای و ضمیمه تجاری آن با روسیه وارد شد، معضل حقوق

گمرگی بود که در آن به دریافت صدی پنج حق گمرگی تاکید شده است؛ یعنی تجار روسی فقط پنج درصد حق گمرک برای واردات کالاهای خود به ایران می‌پرداختند (رحیم‌زاده صفوی ۱۳۰۹: ۱۰۸). این مسئله بعدها شامل تجار کشورهای دیگر نیز شد. این پیمان و پروتکل بازرگانی ضمیمه آن، یک نمونه از سیاست سلطه و توسعه طلبی روسیه با استفاده از ضعف ایران و بی‌تفاوتی انگلستان برای ارضای طمع تجار و تحمیل سیستم کاپیتولاسیون بود. انتنر از سلطه اقتصادی روس‌ها بر ایران با عبارت "امپریالیسم روبل" یاد می‌کند (انتنر ۱۳۶۹: ۳۰). نکته حائز اهمیت زمانی بود که تجار ایرانی علاوه بر پرداخت حقوق گمرکی برای صادرات کالا مجبور بودند در هر شهری برای خروج کالای خود عوارض جداگانه نیز بپردازند. محمدحسن امین الضرب بازرگان معروف از پرداخت حق گمرک و نیز عوارض ورود و خروج کالا از هر شهر توسط تجار ایرانی و همچنین از نظام غلط گمرکی در دوره ناصری که موضع تجار ایرانی در رقابت با بازرگانان خارجی را تضعیف می‌کرد شکایت داشت (آدمیت ۱۳۵۶: ۳۰۸). نویسنده دیگری که در همان دوران درباره تجارت خارجی رساله می‌نوشت تذکر داده بود:

به زیان دولت ایران است که این همه امتعه و اقمشه فرنگستان از پیراهن گرفته تا آتش مطبخ داخل مملکت محروسه ایران شده، و به دولت علیه پنج درصد رسم گمرک می‌دهند. و این متاع قلیل ایران که در پشت اسب و شتر به ممالک فرنگستان می‌رود چهل و پنجاه گمرک باید داده شود (همان، ۲۹۲).

در سال ۱۲۶۰ق/۱۸۴۴م تجار تبریز از بهمن‌میرزا و محمدشاه خواستند ورود بی‌رویه کالاهای وارداتی را ممنوع سازند چرا که موجب زوال و کاهش کالاهای تولیدی ایران می‌شد. زمینه اصلی شکایت آنها، ارزان‌فروشی ۱۰ تا ۲۰ درصدی تجار یونانی بود که تحت حمایت بریتانیا در تبریز فعالیت می‌کردند. شاه و شاهزاده به خواسته تجار تبریزی ترتیب اثر ندادند. در سال ۱۲۶۴ و ۱۲۶۵ق/۱۸۴۸ و ۱۸۴۹م ارزانی، تنوع طرح و الگوی پارچه‌های تولیدی انگلستان باعث شده بود که مردم ایران چیت اروپایی را به پارچه‌های ابریشمی وطنی ترجیح دهند. این امر موجب تعطیلی بسیاری از شعب صنایع محلی در ایران شد (عیسوی ۱۳۶۲: ۴۰۰؛ سیف ۱۳۸۰: ۱۵۷). اعتراض‌ها به ورود منسوجات فرنگی در زمان صدارت امیرکبیر ادامه یافت. در سال ۱۲۶۶ق/۱۸۵۰م تجار تبریزی با نگارش عریضه‌ای از امیر خواستند که از واردات قماش بی‌کیفیت و بُن‌جُل جلوگیری نماید

نظام تجاری و نوگرایی صنعتی در تبریز ... (پریا و بولت شکبیا و دیگران) ۲۷۹

(آدمیت ۱۳۹۷: ۴۱۴). بی‌برنامگی دولت ایران در ارتباط با اقتصاد نوین جهانی منجر به نابودی صنایع دستی داخلی گردید و موجب افزایش واردات کالاهایی چون منسوجات و قندوشکر شد (سیف ۱۳۷۳: ۱۶۱). طبق جدول ذیل می‌توان تأثیر و آسیب ورود کالاهای خارجی بر اقتصاد ایران مشاهده کرد:

تجارت خارجی ایران از سال ۱۸۷۵ تا سال ۱۹۰۶م. در ۱۰۰۰ قران
(رواسانی ۱۳۹۰: ۵۹)

سال	واردات	صادرات	کسری
۱۸۷۷-۱۸۷۵	۶۰۰۰۰	۶۰۰۰۰	----
۱۸۸۰-۱۸۷۷	۶۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۸۸۵-۱۸۸۰	۱۲۶۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۲۶۰۰۰
۱۸۹۰-۱۸۸۵	۱۴۵۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰
۱۸۹۵-۱۸۹۰	۱۵۴۰۰۰	۱۱۰۰۰۰	۴۴۰۰۰
۱۹۰۰-۱۸۹۵	۲۵۰۰۰۰	۱۴۷۰۰۰	۱۰۳۰۰۰
۱۹۰۰	۲۵۵۰۰۰	۱۴۷۰۰۰	۱۰۸۰۰۰
۱۹۰۱	۲۹۸۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	۱۴۸۰۰۰
۱۹۰۲	۲۷۳۴۴۳	۱۸۹۰۲۰	۸۴۴۲۳
۱۹۰۳	۳۸۵۰۳۶	۲۵۴۷۷۵	۱۳۰۲۶۱
۱۹۰۴	۳۴۹۹۱۵	۷۲۵۹۶۱	۱۰۱۹۵۴
۱۹۰۵	۳۸۶۴۶۳	۲۹۳۱۴۳	۹۳۳۲۰
۱۹۰۶	۴۳۱۰۴۰	۳۵۳۷۷	۷۷۶۶۳

در بازه زمانی ۱۸۴۰ تا ۱۸۹۹م. صادرات ایران به روسیه تقریباً ۶/۵ برابر ولی واردات آن از روسیه بیش از هفده برابر افزایش یافت. با مقایسه نوع کالاهای صادراتی و وارداتی مشخص می‌شود که هجوم کالاهای خارجی به ایران باعث شد که صنایع ایران در ایلات شمالی امکان رشد نیابند و صادرات ایران در همان سطح محصولات کشاورزی و مواد خام باقی بماند... طبق گزارش‌ها بازارهای ایالات شمالی مملو از اجناس روسی شده بود و مصنوعات داخلی نمی‌توانستند در برابر حجم عظیم واردات رقابت کنند (همان: ۶۷-۶۶). با چنین روندی اقتصاد ایران در تعامل با اقتصاد نوپدید دنیا، تحت تأثیر نفوذ سیاسی دولت‌های قدرتمند و برتری مالی شرکت‌های دارای سرمایه قرار گرفت. این

گزارشی کوتاه از آسیب‌های واردات بی‌رویه کالاهای خارجی و تاثیر نظام سلطه بر وضعیت اقتصاد و تجارت ایران عصر قاجار بود.

۵. دولت‌مردان قاجار و اقدامات اقتصادی و صنعتی در تبریز

گزارش‌های ابتدای قرن ۱۹م از سستی و معیشتی بودن بخش صنعت اقتصاد ایران حکایت دارد. بخش اعظم نیاز کشور توسط پیشه‌وران شهری و روستایی و به صورت خانگی تولید و در همان مناطق مصرف می‌گردید (شجاعی دیوکلائی ۱۳۹۸: ۱۱۱). لازم است به تولیدات کارگاهی و صنایع مرتبط در شهرها نیز اشاره گردد. گردش‌گران خارجی به وجود انواع صنایع و حرف در شهرها اشاره نموده‌اند. مثلاً اولویه از رونق صنایع رنگرزی، چرم‌سازی، سفالگری، زرگری، خاتم‌سازی، خراطی، تولید اسباب نقره و طلا، پارچه‌های دیبا، مخمل، تافته و اطلس خبر داده است (اولویه ۱۳۷۱: ۱۷۴). بنابه ضرورت تجدد و نوگرایی ایرانیان به شکل ورود ادوات نظامی و پیشرفت در امور جنگی آغاز شد. بعد از شکست‌های ایران از روسیه، احساس ضعف و سرخوردگی دامن کارگزاران دستگاه حکومتی دارالسلطنه تبریز از جمله عباس‌میرزا و قائم‌مقام‌فراهانی را گرفت و در جستجوی علل کمبودها و ناتوانی‌های ایران و نیز پیشرفت دنیای جدید و مدرن غرب برآمدند (قدیمی‌قیداری ۱۳۹۳: ۷۹ و ۱۷۴). گفتگوی عباس‌میرزا با ژوبر سفیر ناپلئون برای آگاهی از رموز پیشرفت فرنگ و عقب‌ماندگی ایران نشان از آن داشت که این موضوعات در ذهن ولیعهد، به‌عنوان مسئله جامعه ایران مطرح شده و درصدد رفع آن برآمده بود^۳ (ژوبر ۱۳۴۷: ۱۳۷). عباس‌میرزا در دوران اقامت خود در تبریز، به‌عنوان شاهزاده‌ای اصلاح‌طلب و ترقی‌خواه اقدامات بسیاری در راستای نوگرایی انجام داد. ولیعهد برای پی‌ریزی نظام جدید عده‌ای از جوانان و استادکاران را برای یادگیری علوم و فنون جدید به انگلستان فرستاد. پس از آن‌که ۴۰۰۰ قبضه تفنگ از انگلیس وارد نمود، دستور داد استادان تفنگ‌ساز ایران در جبه‌خانه سرکاری به همان شیوه تفنگ بسازند. هم‌چنین تفنگ‌های جوهردار به سبک حسن جزایری و موسی و طرح کارخانه‌های عثمانی ساختند. علاوه بر آن باروت‌خانه‌ای به سبک فرنگ ساخته شد. استادانی که از انگلیس به‌میهن برگشتند به ساخت کوره توپ‌ریزی و چرخ سوراخ‌کُنی پرداختند. به نوشته کتاب متأثرسلطانیه تا حدود سال ۱۲۴۰ق/۱۸۲۵م قریب صد قبضه توپ صخره‌کوب در کارخانه

توپ‌ریزی تولید شد. سپاهیان عباس میرزا زیر نظر مشاوران خارجی مثل ژنرال گاردان آموزش دیدند. وی برای تهیه لباس نظام و قشون خویش در خوی و تبریز کارخانه ماهوت‌سازی بنا نهاد و افزارآلات آنرا از روسیه وارد نمود. توپ‌ریزی و تمرین آموزش توپ‌اندازی، احداث حصاری افزون بر دیوار قبلی، کندن خندق و ایجاد خاک‌ریز در اطراف تبریز از دیگر اقدامات عباس میرزا بود (نادر میرزا ۱۳۷۳: ۱۹۹؛ دنبلی ۱۳۸۳: ۱۲۷، ۱۳۵-۱۳۸؛ جهانگیر میرزا ۱۳۲۷: ۱۸۸-۱۹۱؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳، ج ۱، ۵۵۱؛ خاوری ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۷۳؛ کرزن ۱۳۸۰: ج ۲، ۶۱۰؛ فیودورکوف ۱۳۷۲: ۹۲، ۱۰۲؛ جمالزاده ۱۳۳۵: ۹۶؛ محبوبی‌اردکانی ۱۳۷۰: ج ۱، ۷۶ و ۱۹۷). محوطه و بقایای ارگ علیشاه به قورخانه (اسلحه‌سازی) و توپ‌ریزی و باروت‌کوبی تبدیل شد (اعتمادالسلطنه، همان، ۵۵۲، ۶۱۳؛ محبوبی‌اردکانی ۱۳۷۰: ج ۱، ۱۹۷). در تاریخ ذوالقرنین نیز به وجود معادن مس، آهن و سرب و تأسیس صنایعی چون اسلحه‌سازی، باروت‌کوبی، ماهوت‌بافی و دارالطباعة اشاره شده است (خاوری ۱۳۸۰: ۱۷/۲-۱۶). در ۱۲۳۰ق/۱۸۱۵م به دلیل نیازمندی‌های نظامی سپاه، عباس میرزا استخراج از معادن را ضروری دانست و مون‌تیث انگلیسی مأمور مطالعه در معدن مس و آهن قراچه‌داغ (قره‌داغ آذربایجان) شد. پس از او لیندزی در ۱۲۵۲ق یک دستگاه ماشین بخار و چند کارگر از انگلیس آورد و به بهره‌برداری از آن معدن پرداخت. اما با تیرگی روابط ایران و انگلیس کار معدن نیمه‌کاره ماند (آدمیت ۱۳۹۷: ۳۸۸).

تلاش‌های عباس میرزا برای توسعه ایران و مخصوصاً دارالسلطنه تبریز با مرگ نابهنگام وی منقطع شد. اما طولی نکشید این راه توسط امیرکبیر ادامه یافت. زمانی که امیر به‌عنوان وزیر نظام آذربایجان در تبریز فعالیت می‌کرد بازار و تیمچه بزرگی ساخت که بعدها به "سرای امیر" مشهور شد. این مرکز تجاری بزرگترین بازار ایران بود و اهمیت بازرگانی فراوانی یافت و حتی نظیرش در تهران نیز نبود. به تعبیری "از بازار و کاروانسرای دارالخلافه گذشته، بازار و کاروانسرائی بهتر از آنها در جمیع ممالک و بلدان آسیا نیست" (آدمیت ۱۳۹۷: ۳۴۲). همچنین امیرکبیر به احداث قنات وزیرآباد در ملک شخصی خود واقع در جنوب‌غربی تبریز اقدام کرد (نادر میرزا ۱۳۹۳: ۱۲۳). امیرکبیر به تأثیر اقتصادی ترویج فنون و صنایع غربی پی‌برده بود. یکی از مواد مهم برنامه او، ایجاد صنایع نوین بود: "اولیای دولت علیه اهتمام بسیار دارند که صنایع بدیعۀ ممالک محروسه رونق تمام یابد" (وقایع اتفاقیه، ش ۱، ۵ / ربیع‌الثانی / ۱۲۶۷: ۳) یا "رعایا و صنعتگران این دولت علیه دانسته‌اند که اولیای دولت درخور قابلیت خویش به اکتساب و احداث صنایع تازه طالب و راغب‌اند"

(وقایع اتفاقیه، ش ۲۱، ۲۶/شعبان/۱۲۶۷: ۹۹). نقشه امیر در بنای صنعت ملی شامل استخراج معدن، ایجاد کارخانه‌های مختلف، استخدام استادان فنی از انگلیس یا پروس، فرستادن صنعتکاران به روسیه، خرید کارخانه از فرنگ و یا حمایت از محصولات داخلی استوار بود (آدمیت ۱۳۹۷: ۳۸۸). امیر در ۱۲۶۷/ق ۱۸۵۱م فرمان آزادی به کار انداختن معادن را صادر نمود و اتباع ایران اجازه یافتند ضمن برخورداری از معافیت مالیاتی پنج ساله، به بهره‌برداری از آن مشغول شوند که میرآقاسی خان، برداشت از معدن مس و آهن قراچه‌داغ را آغاز و در وهله اول هشت خروار مس خالص تولید کرد (جمالزاده ۱۳۳۵: ۱۰۱-۱۰۳؛ آدمیت ۱۳۹۷: ۳۸۸).^۴ در همان سال، تاجری به نام محمدتاجر تیریزی سرپرستی تعدادی صنعت‌گر ایرانی را به‌عهده گرفت تا در مسکو و سن‌پترزبورگ فنون صناعی چون شکرریزی، بلورسازی، ریخته‌گری، نجاری و آهنگری را آموزش عملی ببینند. در سال ۱۲۷۰/ق ۱۸۵۴م افراد تعلیم‌دیده به‌هنگام بازگشت به ایران ماشین‌آلات احداث کارخانه‌های جدید آوردند (آدمیت ۱۳۹۷: ۳۹۱؛ عیسوی ۱۳۶۲: ۴۵۴-۴۵۵). اعتمادالسلطنه در "المآثر و الآثار"^۵ به شرح اقدامات عمرانی شهری و ایجاد مراکز صنعتی، علمی و فرهنگی در حکومت ناصری پرداخته است. ایجاد مجمع الصنایع از مهم‌ترین کارها در جهت ترویج فن و هنر بود (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ج ۱، ۹۳؛ وقایع اتفاقیه، ش ۱۱۱، ۶/جمادی الثانی/ ۱۲۶۹: ۶۷۰؛ آدمیت ۱۳۹۷: ۳۹۶؛ وره‌رام ۱۳۸۵: ۱۹۸)^۵ در تبریز و آذربایجان نیز نوسازی‌هایی در بعضی صنایع و تأسیسات شهری انجام گرفت که برای رونق کار صنایع و بازرگانی موثر بود. از این قبیل می‌توان به تأسیس میزانی (گمرکات) وسیع مشتمل بر انبارهای بزرگ، تعمیر عمارت دیوانی توسط میرزافضل‌الله وزیر نظام (۱۲۶۷ق)^۶؛ تکمیل سنگ‌فرش کردن خیابان‌ها و کوچه‌ها (۱۲۹۹ق)، احداث توپخانه و تعمیر دیوانخانه (۱۳۰۰ق)، تعمیر پل آجی‌چای (تلخه‌رود) (۱۳۰۱ق)، ایجاد پستخانه جلفا (۱۳۰۲ق) اشاره نمود (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ۹۱ تا ۱۷۲). همچنین در زمان امیرکبیر کارخانه‌های ساخت تفنگ، باروت‌سازی و توپ‌ریزی تبریز که تعطیل شده بودند از نو به‌کار افتادند (محبوبی‌اردکانی ۱۳۷۰: ج ۱، ۲۰۵) و در سال ۱۲۶۸/ق ۱۸۵۲م دو عراده توپ سه پوند بلندقد ریخته شد (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ۱۷۳۸/۳). دارالفنون تبریز نیز که تدریس صنایع نظامی بر سایر موضوعات غلبه داشت در سال ۱۲۷۵/ق ۱۸۵۹م افتتاح شد (همان، ۷۲۷). در سال ۱۲۷۸/ق ۱۸۶۲م و در عصر ولایت‌عهدی مظفرالدین‌میرزا نیز ساختن تفنگ در تبریز ادامه داشت (روزنامه دولت علیه ایران، ش ۵۱۸، ۳۰/شوال/۱۲۷۸، ۷).

۶. شرکت‌ها، مراکز صنعتی و تجاری

۱.۶ داخلی

همان‌گونه که اشاره شد در قرن ۱۹م صنعت ایران به‌واسطه ارزانی و تنوع کالاهای فرنگی از آن رونق پیشین دور افتاده بود؛ ولی در صنایعی چون نساجی، قالی‌بافی، زرگری، ظروف سفالی، وسایل چوبی، خاتم‌کاری و منبت‌کاری کالاهای باظرافت و بادوامی تولید می‌شده است. تأسیس تجارتخانه‌ها، شرکت‌های بازرگانی و صرافی با مشارکت تجار بزرگ ایرانی در شهرهای مختلف از موضوعات قابل توجه در اواخر قرن ۱۹م بود. به‌ترتیب درجه اهمیت شهرهای تبریز، مشهد، تهران، اصفهان، شیراز و بوشهر از مراکز عمده صرافی بودند. در بین این شهرها تبریز به‌عنوان رابط میان ایران و اروپا محسوب می‌شد. حتی در نیمه دوم قرن ۱۹م این شهر را به لندن آسیا تشبیه کرده بودند (تاریخچه... ۱۳۳۷: ۱۹). برای آگاهی از سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان، صرافان و بازرگانان که با تأسیس مراکز صنعتی، تجاری و مالی در تبریز دوره قاجار فعالیت کرده و زمینه اشتغال تعدادی از آذربایجانیان را فراهم نموده‌اند لازم دانستیم به تاریخچه تشکیل و زمینه‌های فعالیت آنها بپردازیم:

نخستین چاپخانه (باسمه یا مطبعه) در سال ۱۲۳۳ق/۱۸۱۸م با حمایت عباس میرزا و به‌وسیله زین‌العابدین تبریزی دائر شد. در این مرکز با حروف سربی کتاب فتح‌نامه اثر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام چاپ گردید (محبوبی اردکانی ۱۳۷۰؛ ج ۱، ۲۱۱). عباس میرزا در سال ۱۲۳۸ق/۱۸۲۳م میرزا جعفر تبریزی را برای یادگرفتن صنعت چاپ به مسکو فرستاد و او در مراجعت یک دستگاه چاپ سربی را آورد و در تبریز دایر نمود. در سال ۱۳۱۷ق/۱۹۰۰م قاسم‌خان والی یک دستگاه چاپ سربی دیگر به‌راه انداخت و نیز چاپخانه دیگری در زمان محمدعلی میرزای ولیعهد دائر گردید (همان، ۱۸۹ و ۲۱۶). بعد از آن در دوره مظفری نیز در سال ۱۳۱۸ق به همت میرزا یوسف‌خان مستوفی آشتیانی یک دستگاه باسمه یعنی چاپ حروف در تبریز به‌کار افتاد (تربیت، س ۴، ش ۲۲۱، ۳۰/شوال/۱۳۱۸: ۳).

تأسیس مراکز صرافی توسط سرمایه‌داران بومی از اقداماتی بود که در شهرهایی که واردات و صادرات انبوهی داشتند انجام می‌گرفت. به‌همین خاطر در سال ۱۳۰۵ق/۱۸۸۸م تعدادی از صرافان تبریز^۷ شرکتی به نام شرکت اتحادیه به ریاست علی کوزه‌کنانی تأسیس کردند. البته بیشتر منابع، مهدی کوزه‌کنانی را رئیس این شرکت دانسته‌اند ولی طبق

نامه‌ها و اسناد، این شرکت متعلق به رحیم اتحادیه بوده و کوزه‌کنانی فقط بر امور آن نظارت داشته است (اتحادیه ۱۳۹۵: ۳۵). مرتضی صراف و چهار تاجر دیگر نیز در تشکیل این شرکت با ایشان همکاری داشتند. کار اصلی شرکت صرافی بود و مدیریت شعبه تهران را - لطفعلی صراف تبریزی مشهور به اتحادیه و پسرش رحیم برعهده داشتند (همان، ۱۰). این مؤسسه از همان سنوات نخستین تأسیس، رقیب بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی به‌شمار می‌آمد. سرمایه شرکت در سال ۱۳۱۵ق/ ۱۸۹۷م بالغ بر ۱۰۰ هزار تومان بود. این شرکت در حدود ۱۵ سال فعالیت داشت اما در سال ۱۳۳۰ق/ ۱۹۱۲م. به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی شرکت تهران و شعبه تبریز نیز یکسال بعد تعطیل شد. به نظر می‌رسد علت ورشکستگی شرکت در تبریز ناتوانی این مؤسسه در رقابت با بانک شاهنشاهی بود (جمال‌زاده ۱۳۶۲: ۹۸؛ تاریخچه... ۱۳۳۷: ۵۳؛ اشرف ۱۳۵۹: ۷۶؛ ترابی‌فارسانی ۱۳۸۴: ۷۶). لازم است اشاره کنیم محمدباقر فرزند لطف‌الله، با تأسیس مرکز دارالضرب تبریز، مسکوکات نقره به‌نام ولیعهد ضرب کرد و به محمدباقر امین‌الضرب تبریزی معروف شد (اتحادیه ۱۳۹۵: ۱۰؛ ترابی‌فارسانی ۱۳۸۴: ۱۲۴).

تجارخانه تومانیانس یکی دیگر از مهمترین مؤسسات مالی در ایران به‌شمار می‌آمد که حدود سال ۱۲۷۴ق/ ۱۸۵۸م توسط هاراتون تومانیانس ارمنی از تجار تبریز تأسیس شد. چهار فرزند تومانیانس به‌صورت اشتراکی کار تجارخانه را توسعه داده و شعب جدیدی را در شهرهای آذربایجان و ولایات شمالی ایران راه‌اندازی نمودند. این شرکت در کار صادرات طلا، خشکبار و ابریشم و واردات نقره، کالا و آهن‌آلات بود. صاحبان مؤسسه به موجودی حساب مشتریان تا ۶ درصد بهره می‌پرداختند. پس از آنکه بانکداری و صرافی تومانیانس‌ها رونق یافت به کارهایی چون استخراج معدن، مشارکت در شیلات و تأسیس کارخانه پنبه پاک‌کنی و میوه خشک‌کنی دست زدند. این شرکت پس از جنگ جهانی اول با بحرانی بزرگ مواجه و قسمتی از دارائی آن در روسیه مصادره شد و متعاقب آن در ایران نیز مردم سپرده‌های خود را مطالبه نمودند و سرانجام در مردادماه ۱۳۰۲ ورشکست شد (تاریخچه... ۱۳۳۷: ۴۷-۵۰؛ اشرف ۱۳۵۹: ۷۷-۷۸).^۱

کارخانه چینی‌سازی یکی از مراکز صنعتی تبریز بود که در عصر ناصرالدین‌شاه توسط عباسعلی و رضا ایجاد گردید. مؤسسان آن در تیمچه امیر، حجره داشتند. این مرکز به‌واسطه دسایس روس‌ها به‌هم خورد و قریب ۱۳۰ هزار تومان به مؤسسان آن ضرر وارد ساخت

نظام تجاری و نوگرایی صنعتی در تبریز ... (پریا و بولت شکبیا و دیگران) ۲۸۵

(اختر، س ۱۸، ش ۷، ۲۳/ربیع الاول/۱۳۰۹، ۲؛ تربیت، س ۷، ش ۲۱۱، ۲۰/محرم/۱۳۲۲: ۴؛ جمالزاده ۱۳۶۲: ۹۴).

در دوران قاجار یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تغییر و تحول در جامعه، بهره‌مندی از امکانات ارتباطی نوین مثل تلگراف، پست و تلفن بوده است. در عصر ناصرالدین‌شاه و در سال ۱۲۷۵ق/۱۸۵۹م اقدامات ایجاد اولین خط تلگرافی بین تهران و تبریز آغاز و در ۱۲۷۷ق/۱۸۶۱م به تبریز رسید (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ۱۸۱۲/۳). هم‌چنین در ۱۲۹۴ق/۱۸۷۷م یک سرویس پستی مرتب هفتگی میان پایتخت و تبریز برقرار شد (محبوبی‌اردکانی ۲۵۳۷: ج ۲، ۲۵۲). هم‌چنین، نخستین امتیاز تلفن ایران در سال ۱۳۱۹ق/۱۹۰۲م برای مدت ۵۰ سال به شرکتی واگذار شد که زودتر از تهران، در تبریز به شعاع ۲۴ کیلومتر تلفن ایجاد کند (محبوبی‌اردکانی ۱۳۶۸: ج ۳، ۱-۲). سیداحمد مرتضوی از تجار معتبر تبریز که بیشتر به حرفه صرافی مشغول بود از امتیازی که در عهد مظفرالدین‌شاه درباره تأسیس تلفن تبریز گرفته بود استفاده نمود و برای نخستین بار شبکه تلفن شهری را بنیان نهاد (مجتهدی ۱۳۲۷: ۱۴۰). پست، تلگراف و تلفن با کارکردهای سیاسی و اقتصادی در رشد تجارت و ارتباطات بازرگانی تبریز تأثیر گذارد.

تولید برق نیز یکی از پیشرفت‌های اساسی بود که در روشنایی محلات و راه‌اندازی کارخانه‌ها مؤثر افتاد. در سال ۱۳۲۰ق/۱۹۰۲م امتیاز تأسیس کارخانه برق در تبریز به قاسم‌خان امیرتومان پسر علی‌خان والی داده شد که ۱۲۵ اسب قوه داشت. در ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م به بخشی از تبریز روشنایی داده شد (جمالزاده ۱۳۳۵: ۹۵؛ محبوبی‌اردکانی ۱۳۶۸: ج ۳، ۳۸۵). قبل از آغاز مشروطه (۱۳۲۰ق/۱۹۰۲م) در حوالی مغازه‌های مجیدالملک محله ششگلان، اولین چراغ برق را نصب کرده بود (کسروی ۱۳۹۵: ۹۵).

از شهر تبریز به‌عنوان مرکز تولید و صادرات قالی در ایران یاد می‌کنند. قالی‌های بافت ایران از اواسط قرن ۱۹م در کشورهای غربی برای خود جا باز کرد. دادوستد آن بیش‌تر توسط بازرگانان تبریزی انجام می‌گرفت. آنها در استانبول دفاتر خرید مصنوعات اروپایی و فروش قالی ایرانی داشتند. نمایندگان این تجار قالی‌های پاختورده و کهنه را از شهرهای ایران جمع‌آوری نموده و در تبریز به صورت عدل درآورده و به استانبول (بازار جهانی قالی) ارسال می‌کردند. از سال ۱۸۸۰م با تحریک بازرگانان تبریزی، جنبش رشد صنعت قالیبافی با

تدارک کارگاه‌های کوچک روستایی و شهری در آذربایجان، مشهد، کرمان و کاشان شروع گردید (ادواردز ۱۳۶۸: ۶۶-۶۷). تجار سرشناس تبریزی از جمله ایپکچی، ممقانی، محموداف، اردوبادی، تهرانچی، آنتیکچی، اهرابی، احمد خامنه، علی قراجه‌داغی، هاشم ترکی، مهدی سلماسی، رحیم قزوینی، علی‌اکبر صدقیانی، احمد سلماسی، سیدمهدی گل‌دپی، مهدی کوزه‌کنانی، محمد ممقانی و محمد دیلمقانی در تأسیس کارگاه‌های تولید قالی و صادرات آن به خارج فعالیت داشتند (ساکما، ۲۴۰/۴۷۴۸۲، برگ ۱۵۸؛ به نقل از ملایی و اتحادیه ۱۳۹۷: ۷۲؛ ادواردز ۱۳۶۸: ۶۷). در حالی که در ۱۹۰۳م گزارش‌هایی از کاهش تولید قالی وجود داشت اما سند سال ۱۹۰۷م نشان داد که تبریز ۱۰۰ کارگاه و ۱۲۰۰ دار قالی‌بافی داشت (سیف ۱۳۷۳: ۱۸۱). یکی از مؤسسات بزرگ صنعتی اواخر قاجار کارخانه ریسندگی تبریز بود که عملیات احداث آن در سال ۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م به دست رحیم‌آقا قزوینی پسر فتحعلی با ۲/۵ میلیون قران سرمایه، آغاز و در سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م افتتاح گردید. این کارخانه توسط دو مهندس آلمانی به نام‌های شوینمن و موسیک نصب و راه‌اندازی شد. ۱۵۰۰ ادوک نخریسی و ۵۰ کارگر داشت. از محصول این کارخانه برای تهیه جوراب و قالی استفاده می‌شد (جمالزاده ۱۳۶۲: ۹۵؛ اشرف ۱۳۵۹: ۸۴). همچنین در سال ۱۳۴۲ق/۱۹۲۴م علی محمد خوئی کارخانه نخریسی راه‌اندازی کرد. کلیه ماشین‌آلات موتوری آن از آلمان وارد شده و تولیداتش برای قالی و پارچه به کار می‌رفت (ساکما، ۱۹۱۸۲/۲۴۰: ۴۴؛ محبوبی اردکانی ۱۳۶۸: ج ۳، ۱۳۳). به تدریج از ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م تجار تبریزی توان رقابت با شرکت‌های قدرتمند خارجی در صنعت فرش را از دست داده و به‌عنوان عامل آن شرکت‌ها درآمدند (استادوخ، ۱۳۲۹ق/۵۴/۲۶، برگ ۲۵. به نقل از ملایی و اتحادیه ۱۳۹۷: ۷۳).

فعالیت در زمینه کبریت‌سازی بعد از قالی‌بافی از مهمترین صنایع در آذربایجان به‌شمار می‌آید. نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۴۱/۱۵ جدی ۱۳۰۱ به محمدرحیم خویی و محمدباقر خویی اجازه دادند که کارخانه کبریت‌سازی با نام ممتاز تأسیس نمایند. مجلس در سال ۱۳۰۵ش. این امتیاز را به مدت ۳۱ سال تمدید کرد و صاحبان کارخانه را تا انقضای مدت امتیاز از پرداخت عوارض و مالیات معاف نمود (مذاکرات مجلس، جلسه ۶۸، ۷ اسفند ۱۳۰۵/ ۲۴ شعبان ۱۳۴۵: ۱؛ ساکما، ۱۹۱۸۲/۲۴۰: ۴۴)، همچنین نمایندگان دوره ششم مجلس به پیرو مصوبه سابق بر مدت امتیاز کارخانه ۱۵ سال دیگر افزوده و کارخانه را از پرداخت حق گمرک و کرایه

خط آهن آذربایجان و کشتیرانی دریایچه رضائیه معاف نمودند (مذاکرات مجلس، جلسه ۱۱۱، ۷ خرداد ۱۳۰۶ / ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۵: ۱). این کارخانه در ابتدای راه‌اندازی به صورت دستی کبریت تولید می‌کرد. اما در سال ۱۳۴۱ق/۱۹۲۳م برای افزایش ظرفیت تولید، خرید ماشین‌آلات جدید به آلمان سفارش داده شد (فلور ۱۳۷۱: ۲۸-۲۹).

تا اواخر دوره قاجار از تشکیلات رسمی اتاق بازرگانی در ایران خبری درج نشده است. در سال ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م فعالان عرصه تجارت تبریز، ضرورت ایجاد مجمعی را مطرح نمودند. هدف آنان بررسی و حل مشکلات دادوستد و تشکیل اتاق تجارت تبریز بود. تا اینکه در ۱۳۳۹ق/۱۹۲۱م بازرگانان معروف به ایجاد سازمانی به نام دارالتجار تصمیم گرفتند و مقرراتی برای تسهیل دادوستد داخلی و خارجی وضع نمودند (سرداری نیا ۱۳۸۵: ۴۸۲). تجار تهرانی نیز برای تأسیس اتاق‌های تجارت، پیشنهادهای برای تأسیس این نهاد در برخی شهرستان‌ها به مجلس شورای ملی دادند. بالاخره اتاق تجارت تهران در ۱۳۰۶/۷/۲۴ (۲۰ ربیع‌الثانی/۱۳۴۶) و متعاقب آن در تبریز نیز ایجاد گردید (ترابی فارسانی ۱۳۸۴: ۴۰۷).

۲.۶ خارجی

در ایران دوره قاجار، سرمایه‌گذاران خارجی در تأسیس کارگاه و یا کارخانه فعالیت‌هایی داشتند. به‌عنوان مثال بازرگانان انگلیسی از نیمه دوم قرن ۱۳ق/۱۹م به‌واسطه شبکه ارتباطی دریایی از طریق استانبول و ترابوزان شهر تبریز را پایگاه عملیات تجارتهای خود قرار دادند. برادران برجس (Burgess) به نام‌های چارلز و ادوارد از نخستین تاجران انگلیسی بودند که از زمان عباس‌میرزا به تجارت در تبریز مشغول شده بودند (اشرف ۱۳۵۹: ۵۳). در طول قرن ۱۹م سرمایه‌گذاران خارجی با تأسیس کارگاه‌های صنعتی، کارخانه‌های تولید قالی و نیز شرکت‌های مالی در تبریز دست به فعالیت زدند. از جمله این مراکز می‌توان فعال‌ترین تجارت‌خانه تبریز با نام شرکت رالی و انگلستو (Ralli and Angelasto) را ذکر نمود که در سال ۱۸۱۸م به‌وسیله پنج برادر تاجرپیشه یونانی‌الصل و تحت حمایت و تابعیت بریتانیا تأسیس شده بود. این شرکت در کار واردات پارچه از منچستر و صادرات ابریشم گیلان بود تا آنکه پس از بروز بیماری کرم ابریشم در سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م فعالیتش متوقف شد (رایت ۱۳۵۷: ۹۸؛ انتنر ۱۳۶۹: ۳۱). هم‌چنین

شرکت انگلیسی هیلدرانت استیونس شعبه‌ای در تبریز داشت که در زمینه صادرات و واردات کالا فعالیت می‌کرد (رواسانی ۱۳۹۰: ۷۰).

یکی دیگر از شرکت‌های مهم خارجی که در زمینه تجارت کالا به‌ویژه معاملات نقره، پارچه و قالی در ایران فعال بود زیگلر (Ziegler) نام داشت. این کمپانی منچستری، بزرگترین تجارتخانه اروپایی در تبریز به‌شمار می‌آمد (کرزن ۱۳۸۰: ۶۷۳/۱). شرکت زیگلر فعالیتش را در دهه ۱۲۷۰ق/۱۸۵۰م با واردات قماش منچستر و صادرات ابریشم گیلان آغاز نمود و پس از ثبت شرکت در لندن رسماً تحت حمایت بریتانیا قرار گرفت (رایت ۱۳۵۷: ۹۷؛ اشرف ۱۳۵۹: ۵۳). شرکت زیگلر در تبریز دارای مغازه‌ها، املاک و کارگاه‌هایی بود که در سه نقطه شهر قرار داشتند: ۱- نمایندگی زیگلر در محل مغازه‌های مجیدالملک یا مجیدیه ۲- اقامتگاه کارکنان اروپایی زیگلر در کوچه ذیقلا (زیغلار) واقع در محله ارمنی نشین بارون آواک (بارناوا) ۳- کارگاه قالیبافی و تأسیساتی چون رنگرزی‌خانه یا صباغ‌خانه زیگلر در خیابان صائب که بعد از جنگ جهانی اول به مالکیت ایران درآمد (حسینی ۱۳۹۷: ۱۰۱). به دلیل سود فراوانی که در تجارت فرش وجود داشت شرکت زیگلر نیز از سال ۱۳۱۸ق/۱۹۰۰م به تولید قالی‌های باب طبع بازارهای اروپا و آمریکا متمرکز شد و ۲۵۰۰ دار قالی در منطقه سلطان‌آباد (اراک)^۹ برپا نمود. به‌نظر رایت، موفقیت کمپانی زیگلر در توسعه صادرات قالی مرهون تلاش و پشتکار مدیر آن آلپیگر و کارکنانش بود (رایت ۱۳۵۷: ۹۹؛ عیسوی ۱۳۶۲: ۴۷۲). از سال ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م به‌دلیل تقاضای روزافزون اروپاییان از فرش‌های ایرانی، شرکت‌های غربی مستقر در تبریز مانند زیگلر، کار تولید و صادرات آنرا جدی گرفتند. به تبع آنان بازرگانان تبریزی نیز به تولید و صادرات فرش دست زدند (فلور ۱۳۷۱: ۱۰۱؛ اوبن ۱۳۶۲: ۷۱). با رونق گرفتن صنعت قالی‌بافی در آذربایجان، در سال ۱۸۸۸م بزرگترین کارخانه قالی‌بافی توسط بابا محمدوف گنجه‌ای در محله نوبر تبریز با ۲۰۰ دار قالی و ۲۰۰۰ بافنده تأسیس شد (اوبن ۱۳۶۲: ۷۱؛ سیف ۱۳۷۳: ۱۷۶).

در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق خانواده کاستلی ایتالیایی نیز در تبریز به سرمایه‌گذاری اقدام نمودند. نام شرکت نیرکو کاستلی و برادران (Nearco Castelli and Brothers) بود که با سرمایه یک میلیون فرانکی به تجارت فرش روی آوردند. جان کاستلی (John Castelli) نیز

نخستین کارگزار بانک شاهنشاهی ایران در تبریز بود (عیسوی ۱۳۶۲: ۵۶۰؛ ادواردز ۱۳۶۸: ۲۳۰).

گروهی دیگر از بازرگانان خارجی، تجار آلمانی بودند که در آستانه جنگ جهانی اول، با حمایت دولت‌شان در تبریز و ارومیه سرمایه‌گذاری کردند. این گروه اولین بار در سال ۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م، یک کارگاه بزرگ مونتاژ در صنایع چلنگری، درودگری، اره‌کشی، غله پاک‌کنی، آسیاب و آهنگری در تبریز دایر کردند ولی پس از مدتی این کارخانه تعطیل شد (اشرف ۱۳۵۹: ۶۵). همچنین آنها در سال ۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م یک کارگاه بزرگ قالی‌بافی شامل پشم‌ریسی و رنگ‌ریزی به‌نام شرکت فرش ایران (پتساگ) (Persische Teppichgesellschaft) در تبریز ایجاد نمودند (عیسوی ۱۳۶۲: ۵۶۰؛ استادوخ، ۱۳۳۶/۲۶/۸۰ق: برگ ۲-۴ به نقل از ملایی و اتحادیه ۱۳۹۷: ۸۶).

گسترش فعالیت‌های بانکی از دیگر فعالیت‌های تجاری بود. از اواسط قرن ۱۹م محافل بانکی و مالی لندن برآن شدند که در سایر کشورها نیز دست به فعالیت بزنند. بانک جدید شرق (New Oriental Bank) نخستین مؤسسه مالی - صرافی بود که از سال ۱۳۰۵ق/۱۸۸۷م کار خود را در تهران و شهرستان‌ها از جمله تبریز آغاز نمود. دومین مؤسسه پولی، بانک شاهنشاهی ایران بود که در سال ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م و به‌موجب امتیاز ناصرالدین‌شاه به رویتر تأسیس شد (تاریخچه... ۱۳۳۷: ۳۰؛ تیموری ۱۳۳۲: ۱۸۱). افتتاح نخستین شعبه آن در تبریز به‌عنوان مرکز تجارت شمال ایران از اولین اقدامات بانک بود (اتحادیه ۱۳۹۵: ۴۲-۵۷؛ تیموری ۱۳۳۲: ۲۰۷). ابتدا شعبه در محله اهراب تبریز (نزدیکی کارخانه برق لامع) معروف به کوچه بانک شاهی قرار داشت. سپس آنرا به‌کاروانسرای امیر در بازار تبریز منتقل کردند. بانک استقراضی ایران نیز به‌عنوان سومین بانک در سال ۱۳۰۷ق/۱۸۹۰م تشکیل گردید. این بانک در تبریز و ارومیه نمایندگی داشت و بیشتر حوزه فعالیت خود را در بخش شمالی کشور و به رقابت با صرافان تبریز و مشهد متمرکز ساخته بود (تاریخچه... ۱۳۳۷: ۴۵-۴۶).

روس‌ها نیز به دلیل موقعیت نزدیک جغرافیایی در زمینه‌های تجاری و اقتصادی در آذربایجان فعالیت زیادی داشتند. اقدامات اقتصادی سرمایه‌داران روسی از جهاتی چون وسعت سرمایه‌گذاری، تنوع و گستردگی فعالیت‌های آنان از آذربایجان تا خراسان اهمیت خاصی داشت. آنان کارگاه‌های ساختمانی متعددی در آذربایجان ایجاد کرده بودند

(اشرف ۱۳۵۹: ۹۹). همچنین شرکت‌ها و تجارتخانه‌های روسی از جمله مارک بندیکت (واردات کالا از روسیه)، شرکت تولیدات صنعتی لودویک روبنک (واردات چیت گلدار) و پرودرنیک (واردات کالاهای لاستیکی و گالش) در تبریز نمایندگی و فعالیت داشتند (رواسانی ۱۳۹۰: ۶۸) امتیاز ساخت خط آهن جلفا-تبریز در ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م به بانک استقراضی روس اعطا شده بود (جمالزاده ۱۳۳۵: ۸۹؛ محبوبی اردکانی ۲۵۳۷: ج ۲، ۳۳۳). بعد از دو سال آیین گشایش راه آهن آذربایجان با حضور ولیعهد ایران (محمدحسن میرزای قاجار) و نماینده قشون روس در تبریز برگزار شد (ترسکینسکی ۱۳۲۶: ۴۱). بعدها این خط آهن طبق معاهده سال ۱۳۳۹ق/۱۹۲۱م از طرف شوروی به ایران واگذار شد (لینگمن ۱۳۹۵: ۷۳ و ۱۰۴؛ محبوبی اردکانی ۲۵۳۷: ج ۲، ۳۷۵). نام ایستگاه راه آهن تبریز نیز به واژه روسی «واغزال» مشهور شد (سهند، س ۱، ش ۱۲، ۱۳۰۵/۸/۲۶، ۲).

۷. نتیجه‌گیری

تبریز به عنوان دروازه ورود دستاوردهای جدید تمدنی اروپا به ایران با پشتوانه سیاسی و اقتصادی پیشین خود، بیشترین تأثیرات را از تحولات بین‌الملل پذیرفت. نخستین حرکت‌ها در جهت استقرار صنایع جدید، در تبریز دوره عباس میرزا صورت گرفت. به تدریج تجارت‌خانه‌های خارجی و تأسیسات جدید صنعتی در آن به وجود آمد. البته بازرگانان داخلی در رونق اقتصادی ایران عصر قاجار نقش محوری داشتند. بازرگانان تبریزی نیز به عنوان قدرتمندترین طبقه شهری جزو کسانی بودند که برای پیشرفت ایران تلاش کرده و در تعامل با خارجی‌ان تبریز را به مهمترین شهر تجاری ایران تبدیل نمودند. رشد مداوم بازرگانی و تجارت خارجی در اوایل قرن ۱۴ق موجب ترغیب تجار خارجی به گسترش فعالیت‌های اقتصادی خود در بازار ایران و با بازرگانان ایرانی شد. واردات و صادرات کالاها رونق گرفت. بدین لحاظ در توسعه ایران دوره قاجار، نقش نیروهای بیگانه در ورود تکنولوژی و تأسیس شرکت‌های خارجی در ایران نمایان بود. به نظر می‌رسد تحولات صنعتی و بازرگانی که در ایران رخ داد، تحولی وابسته بود زیرا که با پیشرفت‌های صنعتی و تحولات تجاری خارج از ایران مرتبط بود و از نظر شکل و دامنه، محدودیت‌های زیادی داشت. براین مبنا در اواخر قرن ۱۹م رونق تجاری و اقتصادی تبریز دچار رکود شد و نقش آن در نظام صادرات و واردات کالایی ایران کم‌رنگ گردید. به نظر می‌رسد

به‌طور کلی تغییر مناسبات و ارتباطات بازرگانی، تولید انبوه کالاها در اروپا و تغییر مسیر تجاری از شمال به جنوب از دلایل عمده آن رکود باشد. به‌مرور واردات کالا موجب کاهش تولیدات در ایران و ورشکست شدن صنعتگران داخلی شد. سیاست‌های استعماری ممالک بیگانه، فقدان استراتژی اقتصادی دولتی، فراهم نبودن شبکه مناسب حمل‌ونقل و عدم حمایت دولت از تجار و صنعتگران داخلی از دلایل وابستگی ایران به نظام تجاری و اقتصادی خارجی باشد. باین وجود مالکان شرکت‌های خصوصی داخلی و خارجی در صنایع دستی، قالیبافی، صراف‌ی، تجارت خشکبار، ابریشم و آهن‌آلات، استخراج معادن، تاسیسات برق، چاپخانه، تلفن، تلگراف در تبریز سرمایه‌گذاری نمودند.

پی‌نوشت‌ها

۱. جهت آگاهی بیشتر بنگرید به پورمحمدی‌املشی ۱۳۸۸: ۲۵-۱.
۲. جهت آگاهی بیشتر از بازرگانان تبریزی که با امین‌الضرب دادوستد داشتند بنگرید به افشار ۱۳۸۷: ۳. عباس میرزا به ژوبر چنین گفته بود:
- آن چه توانایی است که شما را تا این اندازه از ما برتر ساخته است؟ دلایل پیشرفت شما و ضعف ثابت ما کدام است؟ شما هنر حکومت نمودن، هنر فیروزی یافتن، هنر به کار انداختن همه وسایل انسانی را می‌دانید؟ در صورتیکه ما گویی محکوم شده‌ایم که در لجن‌زار نادانی غوطه‌ور باشیم و به‌زور درباره آینده خود می‌اندیشیم... ای بیگانه به من بگو که چه باید بکنم تا جان تازه‌ای به ایرانیان بدهم؟ (ژوبر ۱۳۴۷: ۱۳۷).
۴. برای آگاهی بیشتر درباره اعطای امتیاز استخراج معادن قراجه‌داغ آذربایجان به شرکت روسی بنگرید به جمالزاده ۱۳۳۵: ۱۰۱-۱۰۳.
۵. جهت آگاهی بیشتر درباره مجمع صنایع بنگرید به اقبال آشتیانی ۱۳۲۷: ۹-۱۰.
۶. در کتاب مرآت البلدان ۱۲۷۴ق ذکر شده است (۱۳۶۷: ج ۲، ۱۲۹۱).
۷. به نوشته کتاب تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران، این شرکت در ۱۸۹۷/۱۲۷۶م تأسیس شده است: (صفحه ۵۳) که با توجه به سایر منابع به نظر می‌رسد این تاریخ اشتباه باشد.
۸. جهت آگاهی بیشتر بنگرید به هاکوپیان ۱۳۸۰.
۹. برای آگاهی بیشتر بنگرید به دهگان و هدایی ۱۳۳۰.

کتاب‌نامه

- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی): شماره سند ۲۴۰۰۱۹۱۸۲: برگ ۴۴؛ شماره سند ۲۴۰/۴۷۴۸۲، برگ ۱۵۸.
- استادوخ (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه): شماره سند ۱۳۳۶/۲۶/۸۰ق؛ شماره سند ۱۳۲۹/۵۴/۲۶ق، برگ ۲۵.
- اختر، س ۱۸، ش ۷، ۲۳/ربیع الاول/۱۳۰۹.
- تربیت، س ۷، ش ۲۱۱، ۲۰/محرم/۱۳۲۲.
- تربیت، س ۴، ش ۲۲۱، ۳۰/شوال/۱۳۱۸.
- روزنامه دولت علیه ایران، ش ۵۱۸، ۳۰/شوال/۱۲۷۸.
- سهند، س ۱، ش ۱۲، ۱۳۰۵/۸/۲۶.
- مذاکرات مجلس، جلسه ۶۸، ۷ اسفند ۱۳۰۵ / ۲۴ شعبان ۱۳۴۵.
- مذاکرات مجلس، جلسه ۱۱۱، ۷ خرداد ۱۳۰۶ / ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۵.
- وقایع اتفاقیه، ش ۱۱۱، ۶ جمادی الثانی / ۱۲۶۹.
- وقایع اتفاقیه، ش ۱، ۵ / ربیع الثانی / ۱۲۶۷.
- وقایع اتفاقیه، ش ۲۱، ۲۶ شعبان / ۱۲۶۷.
- وقایع اتفاقیه، ش ۲۲۱، ۹ شعبان / ۱۲۷۱.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، افکار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در آثار منتشر نشده قاجار، تهران: آگاه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۹۷)، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- آوری، پتر (۱۳۸۷)، «افشاریان»، در: تاریخ ایران (از مجموعه تاریخ کمبریج) دوره افشار، زند و قاجار، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- ابوت، کیث ادوارد (۱۳۹۶)، شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار (گزارش کنسول ابوت از اقتصاد و جامعه ایران ۱۸۶۶-۱۸۴۷ م)، ترجمه سیدعبدالحسین رئیس‌السادات، تهران: امیرکبیر.
- اتحادیه، منصوره و سعید روحی (۱۳۹۵)، صرافی و صراف‌ها (منتخبی از اسناد رحیم اتحادیه)، تهران: تاریخ ایران.
- ادواردز، آرتور سسیل (۱۳۶۸)، قالی ایران، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران: انجمن دوستداران کتاب.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران؛ دوره قاجاریه، تهران: زمینه.

نظام تجاری و نوگرایی صنعتی در تبریز ... (پریا وبولت شکبیا و دیگران) ۲۹۳

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، *المآثر و الآثار: چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، بی جا: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۶ ج ۱/۳۶۷ ج ۲)، *مرآت البلدان*، تصحیح و حواشی عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، ج ۱-۲، تهران: دانشگاه تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۸۷)، *تبریز در اسناد امین‌الضرب سال‌های ۱۲۹۹ - ۱۳۱۵ قمری*، به کوشش نرگس پدرام و مژده مهدوی، تهران: ثریا.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۲۷)، *ورقی از تاریخ طهران: «سبزه میدان و مجمع دارالصنایع»*، مجله یادگار، ش ۳۹ و ۴۰، صص ۵۹-۷۰، خرداد و تیر ۱۳۲۷.
- انتر، مروین ل. (۱۳۶۹)، *روابط بازرگانی روس و ایران (۱۹۱۴-۱۸۲۸)*، ترجمه احمد توکلی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار*، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
- پورمحمدی املشی، نصرالله (۱۳۸۸)، «*اوضاع اجتماعی و اقتصادی تبریز عصر صفوی*»، نشریه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، س ۱۹، ش ۱، (پیاپی ۷۵)، بهار ۱۳۸۸.
- تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران (۱۳۰۷-۱۳۳۷)، (۱۳۳۷)، بانک ملی، تهران.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴)، *تجارت، مشروطیت و دولت مدرن*، تهران: تاریخ ایران.
- ترسکینسکی، انااتول (۱۳۲۶)، *تاریخچه مختصر راه آهن ایران*، تهران: بنگاه راه آهن دولتی ایران.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۲)، *عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*، تهران: اقبال.
- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۳۵)، *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*، برلین: کاوه.
- خان خانان (۱۳۸۰)، *رساله در اصلاح امور*، در: *غلامحسین زرگری نژاد (تصحیح و تحشیه)*، رجال سیاسی عصر قاجار، تهران: کتابخانه ملی.
- خاوری، میرزا فضل الله شیرازی (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، ج ۲، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه (از روی نسخه بریتانیا)*، تهران: اطلاعات.
- دوسرسی، کنت (۱۳۹۰)، *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م*، ترجمه احسان اشراقی، تهران: سخن.

۲۹۴ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

دهگان، ابراهیم و ابوتراب هدایی (۱۳۳۰)، *تاریخ اراک*، اراک: فرهنگ اراک.
رایت، دنیس (۱۳۵۷)، *انگلیسیان در ایران*، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: دنیا.
رواسانی، شاپور (۱۳۹۰)، *دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری*، تهران: امیرکبیر.
ژویر، پیر آمده (۱۳۴۷)، *مسافرت در ارمنستان و ایران*، ترجمه علیقلی اعتمادمقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
حاج سیاح (محمدعلی خان محلاتی) (۲۵۳۶)، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به‌کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر.
حسینی، سجاد، جعفر آقازاده و حمیده آرمون (۱۳۹۷)، «چپاول و غارت تبریز در دوره استبداد صغیر؛ مطالعه موردی: اموال کمپانی زیگلر»، *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، س ۱۰، ش ۳۸، صص ۱۱۴-۹۳.

سرداری‌نیا، صمد (۱۳۸۵)، *تبریز شهر اولین‌ها*، تبریز: کانون فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
سیف، احمد (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشمه.
سیف، احمد (۱۳۸۰)، *استبداد و مسئله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران*، تهران: رسانه‌ش.
شاردن، ژان (۱۳۳۵)، *سیاحت نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
شجاعی دیوکلائی، حسن (۱۳۹۸)، *توسعه‌نیافتگی و صنعتی‌سازی ایران عصر قاجار و پهلوی اول*، تهران: تیسرا.
صفوی، رحیم زاده (۱۳۰۹)، *ایران اقتصادی*، ج ۲، تهران: چاپخانه اتحادیه.
عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران (قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق.)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
فلور، ویلم (۱۳۶۵)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سرّی، ج ۲، تهران: توس.
فلور، ویلم (۱۳۷۱)، *صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد ملانی (۱۹۲۵-۱۹۰۰)*، ترجمه ابوالقاسم سرّی، تهران: توس.
کارری، جملی (۱۳۸۳)، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.

نظام تجاری و نوگرایی صنعتی در تبریز ... (پریا وبولت شکبیا و دیگران) ۲۹۵

کسروی، احمد (۱۳۹۵)، *زندگی و زمانه احمد کسروی (زندگانی من، ده سال در عدلیه، چرا از عدلیه بیرون آمدم)*، بازبینی و ویرایش همراه با یادداشت‌ها و افزوده‌های محمد امینی، ایالات متحده: انتشارات شرکت کتاب.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر به ایران*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی. متی، رودولف پ. (۱۳۸۷)، *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی*، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مجتهدی، مهدی (۱۳۲۷)، *رجال آذربایجان در عصر مشروطیت*، تبریز: نقش جهان. محبوبی‌اردکانی، حسین (۱۳۷۰ ج ۱ / ۲۵۳۷ ج ۲ / ۱۳۶۸ ج ۳)، *تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۳-۲-۱، تهران: دانشگاه تهران.

مراغای، زین‌العابدین (۱۳۴۴)، *سیاحتنامه ابراهیم‌بیگ*، بی‌جا: اندیشه. ملایی، مصطفی و منصوره اتحادیه (۱۳۹۷)، «*سرمایه‌گذاری شرکت‌های غربی در صنعت فرش ایران*»، فصلنامه علمی-پژوهشی *گنجینه اسناد*، س ۲۸، ش ۳، پاییز، صص ۹۳-۶۴.

میرزاسمیعا (۱۳۷۸)، *تذکره الملوک و سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر. نادر میرزا (۱۳۹۳)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: آیدین.

واتسن، رابرت گرفت (۱۳۵۴)، *تاریخ ایران دوره قاجاریه*، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران: امیرکبیر.

ورهرام، غلامرضا (۱۳۸۵)، *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*، تهران: معین. هاگوپیان، امیل (۱۳۸۰)، «*تاریخچه خاندان و تجارت‌نامه تومانیانس*»، ترجمه روبرت واهانیان، فصلنامه *فرهنگی پیمان*، س ۵، ش ۱۵-۱۶-۱۷، پاییز ۱۳۸۰.

هدایت، مهدی‌قلی (مخبرالسلطنه) (۱۳۸۵)، *خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من*، تهران: زوار.

لینگمن، ای. آر.، میلسپو، آرتور سی و س. سیموندز (۱۳۹۵)، *وضعیت مالی و اقتصادی ایران در دوره رضاشاه*، ترجمه شهرام غلامی، تهران: تاریخ ایران.